

اطلاعیه : قاتلان ! ننگتان ابدی باد

خبر کوتاه بود ! ۳۷ کودک لبنانی همراه با مادرانشان توسط بمبهای اسرائیلی در پناهگاهشان قطعه قطعه گردیده اند . همان بمبهایی که بیشتر از این به امضای کودکان اسرائیلی مزین ! شده بودند . وای که رذالت را در روزگار ما مرزی نیست . قاتلان " قوم برگزیده " ! آمده بودند تا تروریستها ! را به جزای اعمالشان برسانند .

نزدیک به سه هفته است که چهارمین ارتش قدرتمند دنیا ، در مقابله با نیروهای " حزب الله " لبنان زمین گیر شده است و توان پیشروی ندارد . آنها تصور بیشتر از سه روز مقاومت را نیز به مخیله خود راه نمی دادند . همانگونه که پدران نژاد پرستان نیز تصور مقاومت قهرمانانه سه نسل از مردم فلسطین را نمی کردند .

بیش از هشتصد هزار نفر بی خانمان و رانده شده از مناطق مسکونیشان و یا در حال فرار و ترک لبنان می باشند . صدها نفر غیر نظامی بر اثر بمبارانهای مداوم مناطق مسکونی کشته و هزاران نفر زخمی برجای مانده است . هدف ظاهرا نابودی " حزب الله " بوده است . با اینحال معلوم نیست که انهدام تمامی ساختارهای جامعه لبنان ، بمباران پلها و نیروگاه های برق و سیستمهای آبرسانی و خانه های مردم بیگناه در لبنان و نوار غزه چه رابطه منطقی با آن هدف اعلام شده دارد . الا اینکه زن و کودک لبنانی بایستی تقاص بزدلی نیروهای پیاده ارتش اسرائیل را بدهند .

اسرائیل هر روز جنایتی تازه می آفریند و دنیای متمدن ! به نظاره نشسته است . این تنها دولت و ارتش اسرائیل نیست که مسئولیت جنایت علیه بشریت را بر دوش می کشد ، اکثریت مردم اسرائیل نیز در این جنایات شریک هستند . نگاهی به آنها که علیه جنگ ، در خیابانهای شهرهای اسرائیل اعتراض می کنند بیاندازید . آنها که تلاش می کنند انسان بمانند و سیاستهای نژاد پرستانه را محکوم می کنند . آنها که جسارت شنا کردن در خلاف جریان آب را دارند ، برآستی چند ده نفرند ؟ اقلیتی ناچیز و بشدت ایزوله و در زیر نگاه های نفرت آلود اکثریت راسیست جامعه اسرائیل .

هر یهودی در هر کجای این دنیا که این جنایت ضد انسانی را محکوم نکند شریک جرم قاتلان است .

سکوت هردسته و گروه و سازمانی در مقابل این جنایات ضد انسانی ، به هر بهانه و با هر توجیهی ، تنها تایید جنایت معنی می دهد و دیگر هیچ !

مسئله این نیست که موضعگیری ما چه تاثیری در روند اوضاع و احوال جاری می تواند داشته باشد . نه اصلا مسئله این نیست ! ما تنها شرافت انسانی خود را پاس می داریم . همان انسانیتی که به جامعه نوید آنرا می دهیم . همان انسانیتی که در قالب آرمانیمان ، انگیزه مبارزه با یک رژیم جنایتکار دیگر را در میهنمان از آن گرفته و می گیریم . بی آنکه خستگی ، توان حرکتان را بگیرد . بی آنکه برق قدرت سرکوب دشمن چشمانمان را بگیرد و بی آنکه لحظه ای ، آری لحظه ای حتی ، به فکر سازش و مصالحه با دشمن بیافتیم و افتاده باشیم .

بدون این " انسانیت محض " هیچ انقلابی موفق به تحقق بخشیدن به آرمانهای خود نخواهد شد ، اگر چه که حتی موفق به تصاحب قدرت سیاسی نیز گردیده باشد .

که داستان آرمان و انسان حکایتی دگر است